

قصه دورهمی نوجوانان محله فاطمیه و تلاش‌های مائده طلوع، مربی دهه هشتادی این جمع

پنجشنبه‌هایی برای شنیدن صدای دختران



راه تجربه

دخترانه‌ای نیز که با مدیریت مائده، جان تازه‌ای گرفته است، چندی پیش به یاد حضرت رقیه (س) برپا شد. ورود بزرگسالان به این هیئت، ممنوع است و دختران نوجوان، صفر تا صد کارها را برعهده دارند. دخترها خودشان سخنران و مداح دعوت می‌کنند و برنامه‌ها را می‌چینند. قرائت قرآن ابتدای مراسم، انجام پذیرایی، اجرای سرود و نمایش، فضارآیی و حتی جلب مشارکت‌های مردمی برای تأمین هزینه‌های مراسم هم با خودشان است.

طلوع، جلسات هیئت دختران مسجد چهارده معصوم (ع) را فقط یک مثال از اعتقاد به یک باور بیان می‌کند؛ چه در حلقه صالحان نوجوانان که مسئولیتش را دارم و چه در هیئت دختران نوجوان مسجد، دادن مسئولیت به دخترها، توجه به نظرها و استفاده از توانایی‌هایشان، یک راهبرد است. فعلاً که مدارس تعطیل است اما در سال تحصیلی هم هیچ‌یک از این جلسه‌ها و فعالیت‌ها را با درس خواندن دخترها در تضاد نمی‌بینم.

اوگریزی به دوران تحصیل خود می‌زند و فعالیت‌های فرهنگی در مدرسه که پایاپای تحصیل و والیال، انجام می‌داد و نتیجه امروز آن، نه فقط معدل ۲۰ در دانشگاه و تدریس والیبال در سالن ورزشی رسالت، بلکه فهرستی از افتخارات است که از میان آن می‌توان به مواردی از این دست اشاره کرد: دوبار رتبه اول استان در رشته گفتمان مهدویت و ویژه دانش آموزان پایه یازدهم و دوازدهم در سال‌های تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ و ۱۴۰۲-۱۴۰۳، رتبه ۴ در مسابقات کشوری گفتمان مهدویت در سال ۱۴۰۲، رتبه ۲ کشوری در مسابقات درس‌هایی از قرآن در سال ۱۴۰۱، سه بار رتبه اول استان در رشته نهج البلاغه و ویژه دانش آموزان متوسطه دوم، رتبه دوم مسابقات هندبال مدارس مشهد در سال ۱۴۰۱ و رتبه دوم در مسابقات والیبال حوزه‌های بسیج در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۴۰۰ و...

سه ماهه رفاقت

فاطمه قاسمی، دانش آموز پایه هفتم

در کانال مسجد چهارده معصوم (ع) عضو بودم که فهمیدم جلسه دارند مخصوص دخترهای هم سن و سال من. سه ماه پیش بود تقریباً که برای اولین بار به این جلسه رفتم و با خانم طلوع آشنا شدم. دیدار اولمان باعث شد از مهریانی‌شان خوشم بیاید. جلسه با کلاس زبانم تداخل دارد و باعث می‌شود من هر هفته، کمی دیر برسم مسجد؛ با این حال حتماً خودم را می‌رسانم. نیم ساعت اول دورهمی مادرها در حلقه صالحان، به بازی و شادی می‌گذرد. گاهی اسم و فامیل بازی می‌کنیم، گاهی هم بازی جاسوس، گاهی باگوشی‌هایمان و... چند آیه قرآن که تلاوت می‌شود، کلاسمان رسمی می‌شود. دور هم حلقه می‌زنیم و با خانم طلوع شروع می‌کنیم به صحبت درباره موضوعی که شب قبل، در گروه، نظرسنجی‌اش انجام شده و بیشترین رأی را آورده است؛ مثل موضوع مدیریت زمان، مربی ما با حوصله و خوش اخلاقی، سؤال‌هایمان را گوش می‌کند و جواب می‌دهد. یک بار بعد حلقه، درباره یک موضوع خانوادگی، راهنمایی خواستم. کمک کردند و از اینکه مشکلم حل شد، ممنونشان هستم.

فرزانه شهامت از بزرگراه شهید چراغچی تامیدان امام حسین (ع) و سپس بزرگراه شهید میرزایی، بولوار مسلم شمالی و جنوبی تا رسیدن به بولوار فاطمیه، مائده طلوع کارگر، پس از سال‌ها رفت و آمد در این مسیر، راه خانه تا مسجد چهارده معصوم (ع) را مانند کف دست می‌شناسد؛ مسجدی که دوران خوش نوجوانی‌اش را در آن سپری کرده و کوله بار دانش خود را با برنامه‌های فرهنگی‌اش پر کرده است.

حالا نوبت اوست که آنچه را آموخته است با دختران محله سابق سکونت خود در میان بگذارد؛ دخترانی که دنیای پرتلاطم نوجوانی را سپری می‌کنند و گاه، جز خانم مربی، گوش شنوایی برای گفتن از چالش‌هایشان پیدا نمی‌کنند.

او با همه مشغله‌هایی که دارد، دست کم یک ساعت برای پیاده روی‌ها، زمان انتظار تا آمدن اتوبوس و رسیدن به مسجد کنار می‌گذارد تا به موقع، در قرار هفتگی‌اش با دختران مشتاق محله فاطمیه، حاضر شود.

کشف دنیای پررمز و راز نوجوانی

همگی می‌دانند که روزهای پنجشنبه، رأس ساعت ۱۰ صبح، باید بیایند طبقه بالای شبستان مسجد. اجباری برای حضورشان در دورهمی نیست و میل درونی برای شرکت در این جمع، حرف اول و آخر را می‌زند. برای همین، گاهی جمعیتشان از پانزده نفر هم عبور نمی‌کند و گاهی، مثل پنجشنبه‌ای که گذشت، شصت نفر را رکورد می‌زند. دخترهای پایه هفتم تا نهم محله، مربی‌شان را «خانم طلوع» صدامی‌زند و با مربی دهه هشتادی خود حس راحت بودن دارند.

او که بیست و یک سالگی را پر می‌کند، مقطع کارشناسی رشته مشاوره را در دانشگاه امام رضا (ع) می‌خواند و عشق به کشف دنیای پررمز و راز نوجوانی را دلیل اصلی انتخاب این بازه سنی برای فعالیت فرهنگی عنوان می‌کند. تجربه زیسته خود از گذران این دوره، تجربه کار با نوجوانان و دانشی که با گذران واحدهای درسی دانشگاه، در حال افزایش است، باعث شده ویژگی‌های این دوره را به خوبی بداند و از آن برای برقراری ارتباط صمیمانه با دختران محله استفاده کند؛ نه کودک‌اند و نه جوان. چیزی بینابین این دو و گاهی کفه ترازوی رفتارشان به یکی از این دو سمت، سنگین می‌شود. هویتشان هنوز شکل نگرفته است و به شدت از محیط ورده سنی هم سالان خود، تأثیر پذیرند. با خود و خانواده‌هایشان هم غالباً، چالش و درگیری‌های فکری دارند.

تلاش برای رهایی از چالش‌ها

برای کسی که از ابتدای دهه ۹۰ و در اوان دوره نوجوانی خود، به جرگه بسیجیان مسجد چهارده معصوم (ع) پیوسته و با گذراندن صدها ساعت دوره آموزشی، به آسیب‌های فرهنگی محله و جامعه، واقف شده است، مشکلات خانوادگی که برخی دختران نوجوان با او در میان می‌گذارند، به خوبی درک می‌شود، مثل دغدغه‌های یکی از دختران این جمع که ترس و ناامیدی روی قلبش چنبره زده است و نمی‌داند با مشاخره‌های ناتمام والدینی که در آستانه طلاق قرار دارند، چه باید بکند. همچنین دختری که حس می‌کند به یک باره، از همه ارزش‌های مذهبی خانواده‌اش تهی شده است و می‌خواهد در ظاهر و پوشش خود تغییری بدهد که با پوشش عقیقانه، فاصله معناداری دارد. نوجوانی که دوست دارد نماز بخواند اما با هر بار شکست، اراده و اعتماد به نفسش بیش از پیش، خرد می‌شود یکی دیگر از این نمونه‌هاست.

مائده می‌گوید دو ساعت دورهمی هفتگی برای ورود به دنیای برخی از این دختران، کافی نیست و آن‌ها با پیام‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی برایش می‌فرستند یا با تماس تلفنی، بار سنگینی را که به دوش می‌کشند، سبک می‌کنند؛ هر قدر بلد باشیم، کمکشان می‌کنم. گاهی هم از مشورت استادانم در دانشگاه استفاده می‌کنم. برای اینکه دخترهای محله، بهترین راهنمایی را دریافت کنند.

ورود بزرگسالان ممنوع

دوره «ناگفته‌های صورتی» را به تازگی سپری کرده‌اند و سؤالات و شبهه‌هایشان در موضوع حجاب را در میان گذاشته‌اند. هیئت

